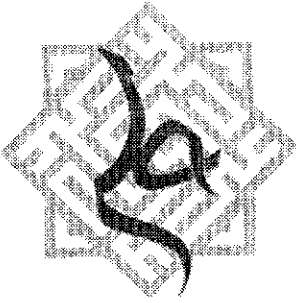


موسوعة الامام علي في الكتاب والسنة والتاريخ

محمد علی مهدوی راد



در خور آن چهره تابناک، دشوارتر و بل محال. سرودن، گفتن و نوشتن درباره این فرازمندترین قله تاریخ همگانی است. ارادتمندان و شیفتگان او فراتر از مرز مذهب، مکتب، جغرافیا و آیین ویژه است. هر آن که انسان بوده، و به تعبیر دیگر «انسان دانشمند» بوده بدو عشق ورزیده و در آستان خورشید وجود او به ستایش ایستاده است. بدین سان از کهن ترین اثر مدون و مکتوب در حوزه فرهنگ اسلامی که به گونه ای درباره مولای رقم خورده و همراهان و همگامان او را در نبردهای سه گانه با هوشمندی گزارش کرده است، تاکنون صدها و بل هزاران کتاب به خامه آمده و چکامه ها سروده شده و آثار هنری آفریده شده است، تا مگر اندکی از بسیار را درباره مولای برگزیند و برنمایند.^۱ از جمله آخرین و گسترده ترین آثاری که از پس سال ها کوشش و درنگریستن در منابع و مصادر بسیار، و برسنجیدن گزارش های تاریخی و روایی اثبوه، سامان یافته، مجموعه فخیم و فاخر الموسوعة الامام علی ابن ابی طالب (ع) فی کتاب والسنة والتاریخ است به خامه حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد محمدی ری شهری و به مساعدت فاضلان، آقایان: سید محمد کاظم طباطبایی و محمود طباطبایی و تنی چند از فاضلان مرکز تحقیقات مؤسسه فرهنگی



موسوعة الامام علي بن ابی طالب (ع)، فی کتاب والسنة والتاریخ، محمد الریشهری، بمساعدة محمد کاظم الطباطبایی، التحقیق، مرکز بحوث دارالحديث، دارالحديث، قم، ۱۴۲۱، ۱۲، وژیبری.

۱. کهن ترین اثر مکتوب و مدون در فرهنگ اسلامی، کتابی است با عنوان «تسمیه فی شهد مع علی حرویه» به خامه عبدالله بن ابی رافع. به هر حال حضور صحابیانی به ویژه مهاجران از صحابیانی در جریان، بسی مهم تلقی می شده است. به پندارم عبدالله با این آهنگ می خواسته است براساس آنچه در آن روز کسانی می اندیشیدند، استواری و حق مداری مولای نشان دهد.

سخن از سیره امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) افتخار آمیز است و ارجمند. گفتن، سرودن، نوشتن و برنمودن گوشه هایی از شخصیت بی بدیل فرزند کعبه، آرزو کردنی است و تمنای ژرفنای جان های تمام شیفتگان کرامت، عدالت و انسانیت. این از یک سوی، از سوی دیگر سخن گفتن از او دشوار است سخن

ص ۵۹-۶۲) و از محیط رشد و زندگانی خصوصی مولا، از شخصیت پدر، مادر، از نام‌ها، کنیه‌ها، لقب‌ها، سیرت و صورت ازدواج، زنان و فرزندان علی (ع) (ص ۶۲-۱۳۵). در این بخش روشن شده است که مولا در خانواده‌ای بزرگ و محیطی پاک بالیده است. نیاکان آن بزرگوار یکسر موحدان پاک اندیش و استوارگام در راه خدا بودند. در تبار آن موحد بی‌بدیل تاریخ اسلام، هرگز شائبه شرک و آلودگی فکری و اعتقادی نبوده است. او در دامن پدری مؤمن، نستوه، حق مدار، و مادری نیک‌نهاد و معادباور بالیده است. زندگی را با همسری که پاک‌ترین روزگار بوده است و سرآمد زنان جهان در هاله‌ای از قداست و با امر الهی آغاز کرده است و فرزندان بزرگ و تاریخ‌آفرین که مصداق والای «کوشر» بوده‌اند، باز نهاده است. کنیه‌ها و القاب او که غالباً رسول‌الله آنها را رقم زده است، همه و همه نشانگر شخصیت والا و جایگاه بی‌بدیل او در اسلام و تاریخ است. در پایان این بخش، پژوهش کوتاهی است درباره‌ی مزارعی که در دمشق به نام «سکینه» و با عنوان دخت علی (ع) شهره است، و نشان داده شده است که علی (ع) را دختری بدین نام نبوده است. (ص ۱۳۷-۱۳۸)

بخش دوم:

این بخش با عنوان «الامام علی (ع) مع النبی (ص)» همراهی و همگامی مولا با رسول‌الله (ص) را در چهارده فصل رقم زده است.

رسول‌الله (ص) در روزگاری فرمان رسالت یافت، و بعثت شگرف و تاریخ‌سازش را اعلام کرد که جزیره‌العرب در تاریکی و سیاهی و جهل می‌سوخت. بعثت آن پیامبر آزادی و کرامت با ناباوری مردمان روبرو شد و نیز با توطئه جباران. از آغازین روزهای این قیام الهی، امیرالمؤمنین همراه جدایی‌ناپذیر و مدافع خستگی‌ناپذیر او بود. در این بخش جایگاه والای امام در تحقق نهضت اسلام و نقش دوران ساز آن بزرگوار و تداوم آن قیام الهی، در عصر رسول‌الله (ص) بازگفته شده است. این بخش نشان می‌دهد که مولا دوش به دوش رسول‌الله (ص) از آغازین روزهای بعثت تا هنگام رحلت برای حاکمیت اسلام در جامعه با تمام توان کوشید. و در تمام صحنه‌ها و گردونه‌ها با رسول‌الله (ص) همبر شد و در تمام موافق و دشواری‌ها برای رفع بن‌بست‌ها از پیش روی حرکت اسلام، پیش‌تاز بود. این فصل نشان می‌دهد که علی (ع) در دفاع از دین، گسترش اسلام، حراست از رسول‌الله (ص) و نگهداری از آیین نوپای الهی، استوارگامی بود نستوه، که از هیچ کوششی در رساندن این آیین

دارالحديث (ج ۱، ص ۵ مقدمه). این بنده را نیز در تدوین نهایی آن سهمی خرد بوده است که از سر عشق و رزی به ساحت ولایت عظمای علوی و خاکساری در پیشگاه ولایت والای وصی نبوی با نهایت شوق و دلدادگی و افتخار آن را انجام داد (ج ۱، ص ۵۴ مقدمه). از این روی آشنایی اندکی با محتوای سرشار از آگاهی‌های گونه‌گون آن اثر سترگ دارم و بدان لحاظ و بدین جهت که شماره ویژه آینه پژوهش سزا نبود که از یادکرد اثری بدین سان ارجمند و جامع تهی باشد، این گلگشت را در صفحات زرین آن انجام دادم و این سطور را در جهت برنمودن اندکی از بسیار نهفته در ابواب و فصول آن رقم زدم؛ تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. یادآوری کنم که این نگاشته به واقع مقدمه بلندی است که بازگردان عربی آن در آغاز مجلد اول آمده است و این جا با اندکی بازنگری و بازنگاری تقدیم می‌شود.

موسوعه در یک نگاه

«موسوعه ...» نگاهی است به زندگانی مولا، سیره علوی و تاریخ حیات کامل‌ترین انسان، برجسته‌ترین مؤمنان و بزرگ‌ترین چهره تاریخ اسلام پس از رسول‌الله (ص).

«موسوعه ...» به آهنگ برنمودن برجسته‌ترین، آموزنده‌ترین، تنبیه‌آفرین‌ترین آموزه‌های مولا، و بخش‌های زندگانی علی (ع) و سیره سپیدی‌آفرین امیرالمؤمنین (ع) به قلم آمده است.

«موسوعه ...» می‌کوشد با ترسیم چهره ملکوتی امام انسانیت و گزارش ویژگی‌های علمی، اخلاقی و عملی زندگانی سرشار از ایمان و اقدام پیشوای حقیقت، و تبیین تلاش‌های شگرف صدای عدالت انسانیت در راه عدالت‌گستری و حق‌مداری عملاً به این سؤال پاسخ گوید که چرا کتاب الهی «علی» را در کنار خداوند، شاهد «رسالت» قرار داده است.

«موسوعه ...» با طرحی نو، پردازش ابتکاری و نظمی جدید و کارآمد سیره علوی را در شانزده بخش در پیشدید پژوهشگران، و جستجوگران معارف علوی و شیفتگان مولا و تشنگان حق و حقیقت قرار می‌دهد.

بخش اول. شخصیت خانوادگی:

در بخش اول از نیاکان آن حضرت سخن رفته است (ج ۱،

الهی به مقصد و مقصود دریغ نورزید. (ص ۱۳۷-۳۰۹)

در این بخش و در ضمن فصل دوم، از «لیلة المبیّت» سخن رفته است؛ حادثه‌ای که در میان فضایل و مناقب مولا چونان خورشیدی درخشید. آن شب امام در اوج جباریت‌ها و ستمگری‌ها و خیره‌سری‌ها و با اطلاع از آهنگ کین و رزانه مشرکان، بر بستر رسول‌الله (ص) آرمید تا آن پیامبر مروّت و کرامت به سلامت راهی یشرب شود. در فصل سوم این منقبت والا و ایشار بی بدیل مولا گزارش شده و به برخی از خرده‌گیری‌های فضیلت‌ستیزان پاسخ داده شده است. (ص ۱۵۶-۱۷۶)

شده است که «غدیر» اوج این کوشش مستمر بوده است و بر این نکته تأکید ورزیده شده است که پس از آن نیز پیامبر از این مهم غفلت نورزید و تا آخرین لحظات عمر بر آن تأکید نهاد؛ گویان که تدبیرهای نهایی آن رسول انسانیت، و آهنگ آن بزرگوار برای کتابت وصیت و استوارسازی آنچه بارهای بار در طول سال‌های سال بر آن تأکید ورزیده بود، به گونه‌ی وصیتی مکتوب در فضای غوغاآلود اطرافیان به ثمر نرسید، و نیز اعزام سپاه اسامه که تدبیری دیگر بود، در این زمینه. اما با این همه در همین دو جریان نیز رسول‌الله (ص) با گفته‌ها و اشاره‌ها و موضع آمیخته به تلخی در برابر غوغاسالاران و متخلفان از سپاه اسامه، راز و رمز حقیقت را برنمود. باری، در این بخش، از این حقیقت به گستردگی سخن رفته و نکات مهمی بر اساس اسناد و مدارک استوار فریقین گزارش شده است.

نکته یادکردنی در این بخش در فصل دوم فراز آمدن مولا بر دوش رسول‌الله (ص) برای درهم شکستن بت‌ها است که غالباً آن راتنها و تنها در حادثه فتح مکه رقم زده‌اند. پژوهش در اسناد بسیار کهن و معتمد در این فصل، نشان داده است که این حادثه در همان شب آکنده از دلهره و در میان اوج رذالت‌های مشرکان شکل گرفته است. و این نشانی است از باوری ژرف و بی‌غبار به آینده و استوارگامی در راه هدف. بدین گونه تأکید شده است که وقوع حادثه در آن شب قطعی است؛ اما چیدن دوباره بت‌ها در سال‌های بعد مسلم است و بدین سان در هم شکستن آنها در فتح مکه و پیراستن ساحت قدس خانه خداوند از لوّث بتان نیز. (ص ۱۵۲-۱۵۵)

این بخش در یازده فصل رقم خورده است که صفحات جلد دوم را یکسره خود ویژه ساخته است. در آغاز، فضای سخن تبیین شده و چگونگی موضع رسول‌الله (ص) بر اساس فرض‌های مختلف و احتمال‌های گونه‌گون تحلیل شده و در ضمن آن نشان داده شده است که نمی‌شود پنداشت که رسول‌الله (ص) امت را یکه و بدون هیچ طرح و نقشه‌ای رها کرده است. پس باید بر اساس نصوص فراوان تاریخی و روایی تأمل کرد و دریافت که آن طرح و تدبیر چیست؟ (ج ۲، ص ۷-۲۲) بدین سان سخن به نص رسیده است و نصوص و احادیث این واقع صادق گزارش شده است؛ از گزارش «حدیث یوم الأنداز» که آغازین تلاش علنی است، تا حدیث غدیر که اوج ابلاغ ولایت است. پس از حدیث یوم الانذار، احادیث و وصایع، وراثت، خلافت، منزلت، امارت، امامت، ولایت، هدایت، عصمت و بالاخره حدیث غدیر و در نهایت گزارش چگونگی واپسین تدبیر رسول‌الله (ص). در آغاز این فصل، در ضمن مدخلی محتوای احادیث تحلیل شده و با نگاهی تاریخی چگونگی دلالت این احادیث بر ولایت علوی و چه سانی نشانگری آنها آهنگ رسول‌الله (ص) را بر چاره‌اندیشی درباره آینده امت، برنموده شده است.

بخش سوم:

در بخش سوم و با عنوان «جهود النبی لقیادة الامام علی (ع)» به جایگاه ولایت در رسالت رسول‌الله (ص) پرداخته و تلاش‌های رسول اکرم را در آن زمینه گزارش و تحلیل کرده است.

اسلام خاتم ادیان و رسول‌الله (ص) خاتم پیامبران و قرآن فرجام بخش کتاب‌های آسمانی است. پیامبر (ص) ابلاغ‌کننده دینی است که رنگ ابدیت دارد، و زمان طومار حیات او را در هم نمی‌پیچد. رسول‌الله (ص) برای تضمین آینده آیین و امتش چه کرده است؟ تدبیر الهی در این زمینه چیست؟ در این بخش آینده‌نگری آیین الهی و جایگاه مولا در این تدبیر الهی نشان داده شده است. به دیگر سخن در این فصل ولایت علوی و امامت علی بن ابی طالب (ع) در قالب تلاش رسول‌الله (ص) برای آینده امت، بازخوانی شده و دلایل عقلی و نقلی اثبات این مدعا که رسول‌الله (ص) امت را بی سرپرست نهاده و آینده امت را بدون طرحی مشخص رها نکرده، بلکه در درازنای بیست و سه سال با زمینه‌سازی‌های فراوان، رهنمودهای بسیار، اشارت‌ها و صراحت‌های بی‌شمار، آینده را به دقت و روشنی رقم زده است، به تفصیل گزارش شده است. در این بخش نشان داده



چهره او بر اساس نصوص تاریخی. می دانیم که در ضمن گزارش های تاریخی، بسیار از عبدالله بن سبا سخن رفته است. برخی از مورخان و حتی تحلیل گران نو اندیش تاریخ اسلام او را چهره ای واقعی و بسی نقش آفرین در تاریخ اسلام و از جمله در حرکت علیه عثمان تلقی کرده اند، و برخی از بنیاد در وجود او تردید روا داشته اند و یا با صراحت وجود او را افسانه دانسته اند. در این کتاب در پرتو اسناد تاریخی، ضمن آن که اصل وجود شخصی به نام عبدالله بن سبا پذیرفته شده است، نقش آفرینی و تأثیر شگرف پنداشته شده او در تاریخ اسلام به شدت نفی شده است. (ص ۲۹۱-۳۰۲)

بخش پنجم. مبانی اصلاحات علوی:

مردم از پس بیست و پنج سال خلافت خلفا و گسترش کج نگری ها و کژروی هایی که پس از رسول الله (ص) آغاز شده بود. و تا بدان جا پیش رفته بود که علی (ع) در خطابه پرشور و تکان دهنده خود از آن به «بلیه ای» چونان روزگار قبل از اسلام یاد کرده^۲. علیه خلیفه و نوع رفتار و حکومت داری او به پا خاستند و پس از قتل او در تجمعی شگفت خواستار زمامداری مولا شدند. امام (ع) که می دانست «آب رفته را به جوی بازگرداندن» در آن شرایط بسی دشوار است، ابتدا از پذیرفتن آن تن زد و پس از اصرار و تأکید مسلمانان پذیرفت و در اولین خطبه از دیگرسانی گسترده در تمام ابعاد اجتماع، مبانی، شیوه ها و روش ها سخن گفت. در این بخش چگونگی رسیدن امام (ع) به زمامداری، آغاز اصلاحات، مبانی امام (ع) در دیگرسانی ها و اصلاحات و بازتاب های آن در جامعه به تفصیل سخن رفته است. بازشناسی محوری ترین مبانی امام (ع) در اصلاحات در زمینه های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی و دینی، از جمله بحث های مهم این بخش است. دیدگاه های امام (ع) در پیوند با سیاست، عوامل استوارسازی حکومت ها، علل و عوامل تزلزل و دگرگونی حکومت ها، چگونگی همکاری دولت ها با هم و ... از جمله بحث های این بخش از کتاب است.

تمام صفحات مجلد چهارم ویژه این بخش است. در این مجلد که آن را به گونه ای می توان «سیاستنامه علوی» نام نهاد به گستردگی و بر اساس نصوص روایی و تاریخی و با استناد به آثار علوی از مبانی، شیوه ها و روش های علوی در حکومت داری

بخش چهارم:

شگفتا و اسفا، که آنچه رسول الله (ص) برای آینده امت رقم زده بود، تحقق نیافت و جامعه خلافت را دیگری و جز آن که فرمان الهی بدان صادر شده بود، به تن کشید. آن گاه مولا بود و واقع کاذب تلخ استخوان سوز و ارونگی حقیقت و ملازمات و مصالح آیینی نوپا و مردمانی که نوآیین بودند و به تعبیر آن بزرگوار «حدیث الاسلام». امام (ع) باید چه می کرد؟ وظیفه الهی او چه بود؟ واقع آن روزگار با شرایط ویژه داخلی و خارجی چه اقتضا می کرد؟ در این بخش به این سؤال ها و جز این ها در سیره علوی از پس رحلت رسول الله (ص) تا حکومت وی پاسخ داده شده است و زمینه ها و علل نادیده انگاشتن رهنمودهای پیامبر درباره آینده است و رهبری مولا در این بخش بازشناسی شده است. و ضمن گزارش سیره حوادث پس از پیامبر (ص) و روزگار خلافت عثمان و خیزش مردم علیه او چگونگی و چرایی مواضع حکیمانه امام حکیمان تشریح و تبیین شده است.

این بخش نیز مجلد چهارم از مجموعه یازده جلدی موسوعه را به خود ویژه ساخته است. بخش چهارم در پنج فصل تدوین شده است. فصل اول قصه آکنده از غصه «سقیفه» و پی آمدهای آن و حوادث مرتبط با آن را گزارش کرده است. (ص ۷-۷۹)

تن زدن امام (ع) از بیعت کسانی که با نیرنگ، جامعه خلافت را به تن کشیدند، چگونگی مواضع مهاجران و انصار در ماجرای سقیفه، و هوشیاری امام (ع) در رویارویی با فتنه و فتنه آفرینان، از جمله بحث های این بخش است (ص ۷-۵۸). امام (ع) پس از مدتی و مشخصاً بر اساس نصوصی پس از شهادت فاطمه زهرا (س) از سر اکراه و الزام به بیعت تن داده است؛ چرا؟ عوامل و زمینه ها، مصالح و چرایی ها این موضع نیز به شرح آمده است (ص ۶۰-۶۵) و آن گاه توجیه های ناموجه سیاست بازان صحنه سقیفه برای دگرگونی وصیت رسول الله (ص) گزارش و نقد شده است. (ص ۶۶-۷۹) روزگار خلفای پس از رسول الله (ص) و موضع علی (ع) در آن روزگاران، حکومت عثمان، زمینه های قیام علیه او و تحلیلی از زمینه ها و انگیزه های مسلمانان در قیام علیه عثمان، در صفحات بعدی این مجلد آمده است. پایان بخش این مجلد نگاهی است نو به جریان این سبا و واقع

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۶: ... الا وان بلیتکم قد عادت کبیهتها یوم بعث الله نبیه - صلی الله علیه وآله وسلم -



سخن رفته است. این مجلد در ده فصل سامان یافته است: ابتدا از تفاوت های بنیادین نگرش به سیاست در دو مکتب علوی و اموی سخن رفته و آن گاه از آهنگ اصلاح و ابعاد اصلاح در حکومت مولا. مدخل این مجلد تحلیلی است گسترده بر پایه نصوص ارائه شده در متن کتاب از آنچه یاد شد و در پایان پاسخی به نقد و اشکال هایی که برخی از مورخان، تحلیل گران و سیاستمداران از روزگاران کهن درباره شیوه برخورد امام (ع) با مسائل داشته اند، می آید (ص ۶-۵۹). آن گاه در فصل اول، چگونگی بیعت مردمان را با امام (ع) گزارش می کند و در پایان چرایی تن زدن آغازین امام (ع) از پذیرش حکومت و پذیرش بعدی آن تحلیل می شود. (ص ۵۷-۶۹)

در برخی از اسناد تاریخی آمده است که طلحه اولین کسی بود که با مولا بیعت کرد و چون یکی از انگشتانش ناقص بود، امام (ع) آن را به فال بد گرفت که حکومت سامان درستی نخواهد داشت (الإمامة والسیاسة، ج ۱، ص ۶۶؛ المناقب للخوازمی، ص ۴۹، ح ۱۱؛ أسدالغابه، ج ۴، ص ۱۰۷؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۷۸). در برخی از اسناد تاریخی این تفسأل زنده را کس دیگری آورده اند (موسوعه، ج ۴، ص ۷۳). در پایان این بخش از بحث، بر اساس روایت و درایت، این حادثه - به ویژه اگر به مولا نسبت داده شود - نفی شده است (موسوعه، ج ۴، ص ۷۳). اصلاحات علوی، سیاست اداری، فرهنگی، قضایی، اجتماعی، امنیتی، جنگی و دیدگاه های امام (ع) در عوامل بقا و زوال دولت، عناوین دیگر این بخش است. این مجلد، خواندنی ترین و تنبہ آفرین ترین بخش کتاب به ویژه در فضای امروزی کشور است. مجلد چهارم ترجمه شده و به زودی با مقدمه ای تحلیلی و گسترده نشر خواهد یافت.

بخش ششم. فتنه های داخلی:

امام (ع) زمام حکومت را به دست گرفت، و به اجرای آنچه از آن سخن گفته بود، پرداخت. آنچه را امام (ع) پیش بینی کرده بود، یعنی برتنبایدن عدالت، اصلاح، مساوات، زدودن امتیازهای موهوم و... اندک اندک رخ نمود. فتنه ها سر بر آورد و بحران های حکومت آغاز شد. و شگفتا ابتدا کسانی بحران را رقم زدند که خود بیش تر از هر کسی در ساقط کردن حکومت پیشین و سامان یابی این حکومت نقش داشتند. اوایل بخش، ابتدا گزارش های تاریخی و روایی مرتبط با فتنه ها نقل شده است و آنچه را که رسول الله (ص) پیش بینی کرده بود و از رویارویی با امام (ع) بر حذر داشته بود (ص ۵، ج ۱۳-۲۲). آن گاه چرایی و چگونگی برآمدن این فتنه ها، ریشه ها، روندها و پی آمدهای آنها

بررسی شده است (ص ۲۹-۴۴) و نیز اهداف امام (ع) در رویارویی با فتنه آفرینان (ص ۴۵-۵۱). در ادامه بحث، آرای کسانی از صحابیان و عالمان اهل سنت درباره نبرد با سرکشان گزارش شده و سپس به تحلیل جریان فتنه «ناکثین»، «قاسطین» و «مارقین» که به واقع بازتاب حرکت اصلاحی امام (ع) و موضع اصولی و انعطاف ناپذیر آن بزرگوار در برابر حقوق الهی و حقوق مردم و ارزش ها بود، پرداخته شده و ابعاد جریان و چگونگی های آنها (ص ۲۷۱-۲۸۷) تبیین و تشریح و گزارش شده است.

بحث از قاسطین و فتنه انگیزان آن، بررسی شخصیت معاویه و پیوند او با خلافت های پیشین و مواضع کسانی از صحابه درباره او، بحثی پرنکته و شایان توجه است. (ج ۵، ص ۲۸۹-۳۳۴) نیز در همین بحث چگونگی و چرایی برخورد علی (ع) با معاویه و برتنبایدن او در مسند قدرت - و گرچه برای روزگاری اندک - بحثی خواندنی است (ج ۵، ص ۳۳۵-۳۵۱). سیاستمداران آن روزگار مصلحت را چنان می دانستند که روزگاری معاویه بر مسند بماند و چون پایه های حکومت استوار گشت با او برخورد شود؛ اکنون نیز کسانی بر آن باورند.

گزارش برخی از زوایای فکری، روحی و مواضع سیاسی فتنه انگیزان در این بخش از نکات بدیع و ناگفته ای برخوردار است؛ از جمله بحث از «تعصق» و تبیین دقیق آن در جریان نهروانی ها. این بحث بدان گونه که در این پژوهش آمده است و در پرتو اسناد تاریخی و رهنمودهای روایی، محتوای این ویژگی ها بازشناسی شده است، سخنی است نو و تحلیلی بکر و بدیع. این بخش از جمله آموزنده ترین بخش های کتاب است.

در این پژوهش در آغاز از فتنه نهروان سخن رفته است. آن گاه ریشه های تاریخی جریان خوارج و زمینه های فکری شکل گیری آن تبیین شده است. گزیده سخن این که خوارج جریان افراطی و سخت گیر در عمل و متصلب در موارد جزئی و بی توجه به بنیادهای اصلی کارهای بزرگ و سطحی نگر و... بود (ج ۶، ص ۲۵۷-۲۹۲). چهره های نقش آفرین جریان نهروان، سیر شکل گیری و ادامه آن رویارویی امام (ع) با آن، نبرد و نتایج آن از جمله مباحثی است که در صفحات بعدی این مجلد آمده است. (ج ۶، ص ۲۹۳-۳۹۹)

امام (ع) را سخت جریحه دار می کرد. امام (ع) بود و گزارش های ستمگری ها، غارتگری ها، پرده دری های سپاه معاویه و قهقهه های مستانه او و فریادهایی که امام از سرسوز و درد و گدازی که از بن جان بر می کشید و پاسخ نمی یافت؛ بدان سان که امام (ع) بارهای بار آرزوی مرگ کرد؛ اما با این همه تا آخرین لحظات از تلاش و مقاومت دست نکشید و تسلیم حوادث نشد. (ص ۱۱۰-۱۴۹)

باری، در آخرین روزهای زندگی امام (ع) پس از خطابه ای آتشین، سپاه گرانی سامان داد و فرمان بازگشت به صفین را صادر کرد. در این سپاه عظیم حسین بن علی، قیس بن سعد و ابویوب انصاری هریک بر ده هزار رزم آور فرماندهی می کردند؛ اما اندوها که ترور ناجوانمردانه امام (ع) به دست جاهلی «متسک»، همه برنامه ها را بر هم زد و تدبیرهای ارجمند امام را برای از بن بر آوردن ریشه فتنه در شام نقش بر آب کرد. نیروها بازگشتند و ...

در این بخش، آنچه به اختصار آمد، به تفصیل گزارش شده است، و ریشه ها و زمینه ها و چرایی و چگونگی این حوادث غمبار تحلیل و تبیین شده است. در سیره امام و زندگانی آن بزرگوار از جمله سؤال مهمی که در پیش روی هر کسی رخ می نماید، این است که این همه تن زدن ها، سستی ها، روی گردانی ها، پس از آن همه اقبال و استقبال از چه چیزی سرچشمه می گرفت و علل و عوامل آن چه بود. در این مجلد و در فصل دهم و با عنوان «بحث فی جذور التخاذیل» به این موضوع پرداخته و بدان سؤال پاسخ داده شده است. (ص ۱۵۱-۱۹۴)

بخش هشتم. شهادت امام (ع):

رسول الله (ص) از شهادت امیرالمؤمنین علی (ع) خیر داده بود. امام (ع) که بیش از آن که صبغه ای زمینه ای داشته باشد، آهنگی آسمانی و درونمایه ای ملکوتی داشت، در انتظار پرواز بود؛ آن هم پروازی سرخ. چنین بود که در هنگامه ای که شمشیر بر فرقه نشست و آن را شکافت و امام در آستانه عروج قرار گرفت، فرمود: ... **فزت ورب الكعبة**. بخش هشتم ویژه گزارش تفصیل پیشگویی رسول الله (ص) از شهادت مولا، و گفتار مولا درباره شهادتش و مسائل مرتبط با آن است.

گزارش چگونگی جریان ترور، سخنان آموزنده و عظیم امام (ع) هنگام ترور تا لحظه شهادت، موضع سرسخت ترین دشمن امام (ع) و سخنان امام به هنگام شنیدن خبر شهادت امام (ع)، جریان تجهیز، تدفین امام (ع) اختفای قبر امام (ع) و بالاخره اشاره ای به زیارت حضرت و برکات زیارت آن مرقد مطهر و مضجع منور، از جمله مباحث این بخش است. (ص ۲۷۵-۳۳۵)

بخش هفتم. واپسین ماه های حکومت، تلخ ترین روزگار حکومت:

سال های حکومت امیرالمؤمنین (ع) یکسر درگیری بود، و رویارویی آن بزرگوار با فتنه انگیزان. مردمان از ادامه این همه فتنه گری و درگیری و ناهنجاری خسته شده بودند. از سوی دیگر فتنه انگیزان به ویژه کانون بنیادی آن شام یکسر بحران می آفرید، فتنه درست می کرد و برای حکومت مرکزی مشکل ایجاد می کرد. در این بخش از سرکشی کسانی از سپاه امام (ع)، هشدارهای پی در پی امام (ع)، شکوه مولا از نافرمانی ها، تفرق ها، و پناهنده شدن گروهی سست عنصر به معاویه، به تفصیل سخن رفته است (ص ۷-۴۶). گزارش شهادت قهرمان نستوه آوردگاه ها، مالک اشتر و چگونگی اعزام او به مصر و توطئه معاویه برای قتل مالک نیز در این بخش آمده است (ج ۷، ص ۵۲-۷۸). شهادت مالک جان امام را فسد، و قلب مطهر آن بزرگوار را از غم آکند. از سوی دیگر چون معاویه خیر شهادت مالک را شنید، شادمان شد و گفت: علی را دو دست یاریگر بود که یکی در صفین قطع شد (عمار) و دیگری (مالک الفارات، ج ۱، ص ۲۶۴؛ تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۹۶). دردگزارهای او و آگویی غم های مولا در شهادت مالک در صفحات بعدی آمده است (ص ۷۸-۸۱) و آن گاه اعزام محمد بن ابی بکر به مصر و جریان شهادت او. (ص ۸۲-۸۳)

سخنان امام درباره این روزگار آکنده است از سوز و گداز تنهایی، رنج و شکنج روزگار و ...

در این زمان مصر سقوط کرد. پاک ترین و کارآمدترین و دلیرترین یار وفادارش مالک اشتر شهد شهادت نوشید و قلب امام را فشرده و جانش را فُسرده. این بخش گزارش تنهایی امام، مرتبه مظلومیت او، و انعکاس فریادهای تنهایی آن بزرگوار است. این بخش نشان می دهد که در این روزگار دیگر از آن رویکرد گسترده آغازین، خبری نبود. مردم از حضور در جبهه ها تن می زدند، و فراخوانی های امام را پاسخ نمی گفتند. گلایه های مکرر امام از مردمان نشانگر گران جانی، دنیازدگی و سستی مردمان آن روزگار است. (ص ۸۱-۱۰۷)

در چنین شرایطی، سپاه معاویه با شیخون های مکرر نظامی به شهرها، و قتل و غارت مردم بی دفاع، عواطف و احساسات

بخش نهم. امام از دیدگاه‌های گونه‌گون:

انعکاس شخصیت مولا در بیان و بنان چهره‌ها، شخصیت‌ها و حتی دشمنانش یکی از فصول برجسته شناخت ابعاد شخصیت امام (ع) است. اگر بگوییم حجم داوری‌ها، حق‌گزاری‌ها، بزرگداری‌ها، شگفت‌زدگی‌ها، تحیرها، سکوت‌ها، فریادها، خطابه‌ها و سروده‌ها و ... درباره مولا با هیچ شخصیتی در تاریخ اسلام قابل‌سنجش نیست، سخنی به‌گزارف نگفته‌ایم. در این بخش خواننده شخصیت مولا را از منظر قرآن، پیامبر (ص)، خود امام، زهرای اطهر (س)، اصحاب پیامبر، اهل بیت (ع)، همسران پیامبر، شماری از برجسته‌ترین چهره‌های علمی-فرهنگی، سیاسی، شاعران، ادیبان، سخنوران و حتی دشمنانش می‌نگرد. در این بخش خواننده می‌نگرد که کسانی از سر عشق و سوز درباره مولا سخن گفته‌اند. گاه تصریح کرده‌اند که بازگویی مناقب و فضایل مولا را شمارش نشاید و صفحات آثار مکتوب، برکشیدن تمامت آنها را برنتابد، که گفته‌اند: سکوت گویاترین سخن درباره مولا است. گفته‌اند علی آگاه‌ترین، و ژرف‌نگرترین کسان به کتاب الله است. علی شجاع‌ترین، پاک‌ترین، مطیع‌ترین، مخلص‌ترین، دلداده‌ترین، نرمخوی‌ترین، سخنورترین، خستگی‌ناپذیرترین، شکست‌ناپذیرترین، نستوه‌ترین، آگاه‌ترین، حق‌مدارترین و ... امت بوده است. علی به تنهایی «همه آنچه را که نیکان روزگار داشتند، داشت». علی در جامعیت همه زیبایی‌ها و والایی‌ها و بزرگی‌ها و رادی‌ها، تنهای تنها است و این حقیقت را در این بخش و در ضمن گفتار ده‌ها تن از متفکران با گرایش‌های مختلف و دیدگاه‌های گوناگون و گاه متضاد می‌نگریم. خوانندگان این داوری‌ها، اظهارنظرها و ارج‌گذاری‌ها و بزرگداری‌ها بسیار خواندنی و دلپذیر است.

مجلد هشتم از کتاب با این بخش آغاز می‌شود. بخش نهم دارای ده فصل است: نه فصل از فصول دهگانه آن در مجلد هشتم قرار گرفته است. در فصل اول شخصیت مولا براساس آیات گزارش شده است. در این فصل هفده آیه آمده است که براساس روایات فریقین این آیات درباره شخصیت مولا و برنمودن وجهی از وجوه شخصیت آن بزرگوار است (ج ۸، ص ۹-۴۷). فصل دوم که گزارشگر سخن رسول الله (ص) درباره علی (ع) است، مدخلی دارد که در آن با تأکید بر این که آنچه در این فصل آمده است، اندکی است از بسیار، از ابعاد شخصیت علی (ع) که در کلام رسول الله (ص) انعکاس یافته، سخن رفته است (ص ۴۹-۶۳) و آن گاه متن سخنان رسول اکرم گزارش شده است. (ص ۵۰-۱۸۵)

فصل سوم (تبیین شخصیت علی (ع) با استناد به کلام مولا)

نیز مدخلی دارد تحلیلی و بیش‌تر برای پاسخ به این سؤال که مولا چرا از خود سخن می‌گوید و چرا ابعاد شخصیت خود را می‌نماید. بدین پرسش از زاویه‌های گونه‌گون نگریسته شده، و پاسخی درخور بدان ارائه گشته است (ص ۱۸۷-۱۹۴). سپس گفتار اهل بیت (ع) همسران پیامبر (ص) و اصحاب رسول الله (ص) و اصحاب مولا درباره وی آمده است (ص ۲۶۳-۳۷۶). فصل هشتم این بخش درباره شخصیت علی (ع) در نگاه دشمنان او است: **الفصل مآشهدت به الأعداء**، و در آن میان شگفت‌انگیزتر و اعجاب‌آورتر از همه گفتار معاویه است و به ویژه این سخن که او گفت «هیئات، هیئات، زنان از این که چون آورند، سترون خواهند بود.» (شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱۱، ص ۲۵۳). فصل نهم گزارش یادکردها، بزرگداری‌ها و اظهارنظرهای عالمان درباره علی (ع) است که خواندنی است و تأمل‌برانگیز. (ص ۳۹۶-۴۵۴)

مجلد نهم با آخرین فصل بخش نهم آغاز می‌شود که گزارشگر اشعار برخی از شاعران است درباره علی (ع)، با مدخلی کوتاه درباره جایگاه شعر در معارف بشری و نیز شاعران و علی (ع) (ص ۵-۷)، آن گاه شعر شاعران که با کعب بن زهیر می‌آغازد و با شعر مصطفی جمال‌الدین می‌فرجاد. (ص ۹-۱۰۲)

بخش دهم. ویژگی‌های امیرالمؤمنین:

علی (ع) نسخه منحصر به فرد انسان کامل است. این واقع‌ارجمند صادق را در فصل پیشین در داوری‌های معصومان (ع)، صحابیان، عالمان، فیلسوفان، متکلمان، عالمان و پژوهشگران دیدیم. بخش دهم کتاب ویژگی‌های امام (ع) را در پیششدید می‌نهد و شخصیت امام و چگونگی ابعاد شخصیت آن بزرگوار را از منظرهای گونه‌گون گزارش می‌کند؛ ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی، عملی، سیاسی، اجتماعی و فکری آن ابرمرد تاریخ را که بی‌گمان در تمام زمینه‌ها نسخه‌ای است منحصر به فرد. او هرگز و حتی یک لحظه کفر نورزید، ایمان او استوارترین و ژرف‌ترین باورها بود، حسن خلق، اخلاص، ایشار و تمام مکرمت‌های اخلاقی سراسر زندگی او را فرا گرفته بود. او برترین و والاترین، دلداده‌ترین عابد و نمازگزار روزگار بود؛ در



آصف برخیا با داشتن بخشی از آن، «تخت بلقیس» را در زمانی کمتر از یک چشم برهم زدن، نزد سلیمان آورد.^۴ گستره آگاهی های مولا، تمامت دانش ها را درنور دیده بود؛ دانش قرآن، دین، شرایع، علم بلایا و منایا، دانش گذشته ها، آینده ها و ...

او در شناخت خداوند بی همتا بود که رسول الله (ص) می فرمود: **ما عرف الله الا أنا و أنت.**

چنین است که گفتارهای آن بزرگوار در تبیین راه های شناخت خداوند، مراتب خداشناسی، مواقع آن، و تشریح صفات الهی فوق العاده مهم است و به نگاه فیلسوفان و متکلمان از جایگاهی بس بلند برخوردار.

آنچه امام (ع) درباره آفرینش و آفریده ها گفته و نکات بدیعی که درباره خلقت برنموده، بهترین گواه بر احاطه علمی او بر انواع دانش های بشری است.

کلمات امام (ع) در آغاز آفرینش، آفرینش فرشتگان، آسمان، زمین، حیوانات، سخنان آن بزرگوار درباره جامعه شناسی، روانشناسی، دانش تاریخ، ریاضیات، فیزیک، زمین شناسی و ... به واقع پیش گویی های علمی و معجزات علمی آن بزرگوار است که اعجاب آفرین است و خضوع آور.

تاریخ در گستره خود به یاد ندارد که کسی، دانشمندی، فیلسوفی، متفکری بلند قامت و استوار بایستد و بگوید: «از من هر آنچه می خواهید پرسید»، و در پاسخ فروماند و برای پاسخ هرگز نیاز به تأمل نداشته باشد.

در این بخش با اندکی از آنچه یاد شد، آشنا می شویم. این بخش گزارشگر «نمی» است از «یم» دانش مولا و نگاهی است گذرا به گستره دانش آن بزرگوار.

بخش دوازدهم. داوری:

این بخش تمام صفحات مجلد دهم را ویژه خود ساخته است. با چهار فصل؛ عنوانین فصول چهارگانه عبارتند از: دانش اندوزی علی (ع) در مکتب نبوی، جایگاه علمی مولا، گونه های دانش علوی، گوشه هایی از گستره دانش آن بزرگوار. این بخش نیز مدخلی دارد کوتاه در اشاره به گستره دانش علوی و تأکید بر این که آنچه در صفحات کتاب عرضه شده است، اندکی است از بسیار و «نمی» است از «یم».

۳. این عنوانین در نصوص مختلف آمده است، که ممکن است مقصود از تعبیرهای مختلف «باب»، «کلمه»، «حرف» و «حدیث» یکی باشد.

۴. قال الذی عنده علم من الکتاب، انا اتیک به قبل ان یرتد الیک طرفک فلما رآه عنده قال هذا من فضل ربی.

صحنه سیاست استوار گام ترین، هوشمندترین، زمان شناس ترین بود و یار خستگی ناپذیر مظلوم و خصم آشتی ناپذیر ظالم. دانش در گسترده ترین، و بینش او ژرف ترین و سالم ترین و نگرشش به خدا و هستی و خلق ناب ترین و زلال ترین بود. باری، علی (ع)، علی (ع) بود. بنده پیراسته جان خداوند، شاهد رسالت و عینیت بخش آرمان ها و ایده ها و باورهای والا.

این فصل، این همه را در آینه آیات، احادیث و گزارش های تاریخی در پیشدید شیفتگان شناخت مولا و تشنگان حق و حقیقت قرار می دهد. این بخش، پنج فصل دارد، با مدخلی کوتاه درباره ویژگی های امام (ع) (ج ۹، ص ۱۰۵-۱۰۷) و آن گاه گزارش نصوص قرآنی و روایی درباره آنچه آمد و با عناوین ویژگی های اعتقادی، اخلاقی، عملی، سیاسی و اجتماعی و نظامی، که از ص ۱۰۹ مجلد نهم آغاز می شود تا پایان این مجلد.

بخش یازدهم. دانش ها:

علی (ع) برترین و ارجمندترین شاگرد مکتب محمد (ص) است. کامل ترین کسی که رسول الله (ص) به لحاظ شایستگی، استعداد و زمینه های فراگیری که داشت جانش را از دانش آکند و گستره حقایق را بدو نمایاند و به تعبیر نصوص روایی و تاریخی «هزار باب» (الأرشاد، ج ۱، ص ۳۴؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۰۱)، «هزار حرف» (الخصال، ص ۶۴۸)، «هزار کلمه» (الخصال، ص ۶۵۱) و «هزار حدیث»^۳ (بصائر الدرجات، ص ۳۱۴) در باب شناخت حقایق بدان بزرگوار آموخت. (موسوعه، ص ۱۶-۲۰)

علی (ع) باب حکمت و علم رسول الله (ص)، گنجینه دانش پیامبر (ص) و وارث دانش آن حضرت و همه انبیای الهی و میراثیان حکمت و علم بود و از این روی «اعلم امت» است.

مولا هر آنچه فراگرفت فراموش نکرد، بدین سان جانش لبریز از حقایق شد. و اسفا! و اندوها! که کسانی که ظرفیت فراگیری این دانش گسترده را می داشتند در میان مردمان نبودند، که علی پرتوی از آن همه را بتاباند و اندکی از آن همه را بگستراند. علی (ع) از دانش کامل «کتابی» برخوردار بود که

داوری دشوار است، و داوری درست و استوار و حق مدار بسی دشوارتر. داوری از یک سو دانشی استوار می‌خواهد و از سوی دیگر روحی بزرگ و شخصیتی استوار گام؛ که در مقابل تهدیدها نهراسد و در برابر تطمیع‌ها نلرزد و وابستگی او را از حق مداری باز ندارد و ...

داوری‌های مولا از فصول برجسته زندگانی، و از جمله افتخارهای والای زندگانی سیاسی، و از شگفتی‌های تاریخ داوری‌ها است.

در این بخش در چهار فصل، ابعاد داوری‌های امام (ع) برنموده شده است. در فصل اول از جایگاه داوری مولا سخن رفته است و از این که به اقتضای صریح کلام رسول‌الله (ص) «اقضی الأمه» بوده‌اند (ج ۱۱، ص ۷-۱۲) در این فصل، نمونه‌هایی از داوری‌های آن بزرگوار را در زمان رسول‌الله (ص) پس از آن حضرت (ص ۱۳-۱۶) بعد از پیامبر و در هنگام خلافت خلفا (ص ۱۷-۴۰) و روزگار خلافتش گزارش شده است (ص ۴۱-۶۰) که همه و همه نشانگر گستره دانش، صلابت رفتار، استواری موضع و حق مداری آن پاسدار حق و حقیقت است در زندگی.

بخش سیزدهم. نشانه‌های قدرت معنوی:

انسان خلیفه الهی در زمین است. ابعاد معنوی انسان، والاترین نماد شخصیت او است. انسان اگر در این بُعد پیش رود و خود را در سلوک معنوی به خداوند نزدیک گرداند، آنچه از او سر خواهد زد، شگفت آور خواهد بود و در زندگی و تعامل با هستی «جلوه‌های» قدرت الهی خواهد بود. علی (ع) که به تعبیر رسول‌الله (ص) - که آشناترین است با مولا، و علی تربیت شده او است - «ممسوس فی ذات الله» است، زندگیش باید روشن‌ترین جلوه‌های این «خلیفة‌اللهی» باشد و هست.

این فصول گزارش نمونه‌هایی است از قدرت معنوی، ولایت تکوینی، جلوه‌های خلیفة‌اللهی آن امام انسانیت و جلوه والای قدرت و عظمت الهی. نمونه‌هایی مانند اجابت دعوات (ص ۶۳-۷۴) سخن از ناپیداها و نادیده‌ها (اخبار مغیبات) (ص ۱۰۷-۱۶۴)، کرامت‌ها (رد الشمس) که منقبتی است منحصر به فرد و فضیلتی تحیر آفرین و شگفتی آور و ... (ص ۷۵-۱۰۶)

مسأله «بازگشت آفتاب» پس از غروب و یا پس از آن که در آستانه غروب قرار گرفته بود، جهت گزاردن نماز برای علی (ع)، به راستی منقبتی عظیم و کرامتی شگفت و والا است. روشن است که پذیرفتن چنین حادثه‌ای شگرف و خارق‌العاده،

ایمانی ژرف و باوری استوار لازم دارد. نقل‌های تاریخی و روایی این حادثه بس فراوان است، بدان اندازه که جای هیچ گونه تردید نیست و هیچ گونه نفی و ردی را بر نمی‌تابد. بسیاری از نصوص این حادثه بر اساس منابع معتمد و موثق فریقین گزارش شده است (ج ۱، ص ۷۵-۸۹) اما به لحاظ فوق‌العادگی ویژه‌ای که این جریان داشته است، در پایان گزارش‌ها، افزون بر گزارش از آنچه با عنوان «مسجد رد الشمس» شهره است، بحثی پی‌نهاده شده است با عنوان «بحث حول حدیث رد الشمس». در این بحث در آغاز از اهمیت جریان و دشواری دریافت آن به ویژه برای سست باوران - و کسانی که با قیچی خرد محدود می‌خواهند ببرند و سوزن تحلیل‌هایی مادی بدوزند - سخن رفته است (ص ۹۱-۹۳). آن گاه نقل صحبانیان از حادثه یاد شده است (ص ۹۳) و سپس از کسانی یاد شده است که درباره «حدیث رد الشمس» آثاری مفرد رقم زده و درباره‌ی اسانید و چگونگی آن کتابی مستقل نگاشته‌اند (ص ۹۳). راویان این جریان بسی فراوانند؛ بخشی شایان توجه از آنها را علامه امینی (ره) در الغدیر آورده است (ج ۳، ص ۱۲۸). در این بحث تأکید شده است که علامه نه قصد استقصا را داشته است و نه آنچه را آورده تمام راویان جریان بوده است. بدین سان از کسانی یاد شده است که حدیث را روایت کرده‌اند و در فهرست علامه نیستند و آن گاه فهرست علامه را نیز آورده‌اند (ص ۹۴-۹۵). در میان کسانی که روایت را نقل کرده‌اند برخی تصریح به صحت اسانید و نقل آن کرده‌اند. در ادامه بحث، عین اظهار نظر برخی از این گونه را آورده‌اند. (ص ۹۶-۹۷)

نگاه شیعی، اشارتی است که پس از این مطالب آمده است و آن گاه از انعکاس این فضیلت در شعر شاعران یاد شده است (ص ۹۷-۹۹) و در پایان نقد و اشکال‌ها گزارش شده و بدان‌ها پاسخ داده شده است (ص ۹۹-۱۰۶). این بحث، پژوهشی است کوتاه، اما پر ماده و سودمند.

این فصل بُعد معنوی امام را در تعامل با گستره هستی و جایگاه والای او را در اوج و عروج و مکانت عظیم این بنده نشان می‌دهد.



این همه تأکید و ترغیب به حب علوی و پیوند ناگسستی آن با حب الهی و حب رسول الله (ص) نشانگر آن است که محبت راستین محمدی بدون محبت علوی امکان پذیر نیست، و ادعای دوستی او (ص) بدون دوستی علی گزافه ای بیش نیست، و از سوی دیگر عناوین یادشده نشانگر آن است که حب علی (ع) به واقع علی مداری و علی وارگی در زندگی است؛ مسانند علی اندیشیدن، چونان علی زیستن، بسان علی گام برداشتن، علی وار عشق ورزیدن، علی گونه کین ورزیدن، ارزش گرا بودن و... وگرنه چگونه ممکن است عشق علی و زندگی معاویه وارا

آخرین نکته که بسی تأمل برانگیز است این که این بخش نشان می دهد، با همه تأکیدها بر حب علی و آثار و برکات آن در زندگی مادی و معنوی، آسوزه های نبوی و علوی و دینی ترغیب کننده به حب مولا، غلو در حب و افراط در عشق ورزی را نکوهیده و از آن تحذیر کرده و آن را انحرافی تلقی کرده است که زمینه ساز انحراف های بزرگ است. (ص ۲۳۶-۲۳۹)

بخش پانزدهم. دشمنی با امام (ع):

چهره زیبای علی به همان میزان که برای دل های پاک، اندیشه های ارجمند و نهادهای پیراسته و آزادخوی، زیبا، جاذبه آفرین و دوست داشتنی است، برای فخرجویان، خویشتر بینان، آتش نهادان و سپاه دلان، کین آفرین و دشمنی زا است. بررسی تاریخ نشان می دهد که دشمنان علی (ع) به لحاظ روحی ناستوار و به لحاظ فکری کژاندیش و به لحاظ شخصیتی انسان هایی خودمُراد، زشتخوی و آلوده درون بوده اند. رسول الله (ص) در آینه زمان، آینده تاریخ اسلام را می نگریست، توطئه ها را می دانست و از فتنه جویی فتنه جویان آگاه بود. از این روی، جای در جای در زندگانی سراسر اقدام و تلاش و تعهدش بر دوستی علی (ع) تأکید نهاد و از دشمنی با او مردمان را تحذیر کرد (ص ۲۵۳-۲۵۴) و از دشمنان دادن وی نهی کرد و دشمنی با او را دشمنی با خود و خداوند تلقی فرمود (ص ۲۵۵-۲۶۲). دشمنی با علی (ع) را کفر دانست و آزار او را آزار خود تلقی کرد (ص ۲۶۶-۲۷۰). رسول الله (ص) کوشید تا در جبهه بندی عام اجتماعی آنان را که با علی هستند و بدو عشق می ورزند، هم جبهه خود نشان دهد و مخالفان و دشمنانش را هم جبهه دشمن او و رسالتش. در این بخش ابتدا از انگیزه های کسانی که در آن روزگاران رویاروی مولا ایستاده بودند، سخن رفته است (ص ۲۴۳-۲۵۹) و نصوص دیگر در برنمودن آنچه بدان اشاره رفت و خواهیم آورد، گزارش شده است.

بخش چهاردهم. دوستی امام (ع):

زیبایی محبوب انسان است و انسان دوستدار زیبایی. هیچ انسانی از زیبایی ها، والایی ها و گرانبه داری ها روی بر نمی گرداند و از عشق ورزی به ارجمندی ها و دلربایی ها تن نمی زند. علی سرچشمه همه زیبایی ها، کمال ها، ارزش ها، والایی ها و ارجمندی ها است. مگر می شود کسی این همه را بفهمد و بدو عشق نورزد، مگر می شود دیده ای گشوده داشت و آفتاب را ندید، بگذریم از معدود کسانی که تیره جانی و سیه دلی چشماتشان را از دیدن زیبایی ها و جلوه های زیبایی باز داشته است. انسان اگر انسان بماند زیباجوی است و زیباخواه.

علی (ع) محبوب ترین آفریده است نزد خداوند زیبایی آفرین و عظمت بخش (ج ۱۱، ص ۲۲۷) و نیز در نزد فرشتگان و رسول الله (ص) و این همه مگر جز به لحاظ جوهره ذات علوی و مکانت عظیم آن انسان ملکوتی است، که فرشتگان نیز با محبت او به خداوند تقرب می جویند (ص ۲۳۶). «حب علی» در فرهنگ دینی ما، موضوعی عظیم و تأمل برانگیز است. این بخش، نصوص این حقیقت را گزارش کرده است. نصوص گزارش شده در این بخش نشان می دهد که دوستی با علی، دوستی با خدا و رسول است (ص ۱۶۷-۱۹۰). دوستی علی، «فریضه» است (ص ۱۹۰-۱۹۴) و مهرورزی به علی (ع) «عبادت»، «نعمت»، «عروة الوثقی»، «بهترین عمل» و نخستین عنوان نامه عمل مؤمنان است. (ص ۱۹۴-۱۹۶)

نصوص مرتبط با علی (ع) در این بخش - که بی گمان تمام آن چیزهایی نیست که در متون روایی توان یافت - نشانگر آن است که راهیابی به حقایق دینی، آرامش در زندگی، کامل شدن ایمان و عمل، پذیرفته شدن کارها نزد خداوند متعال، اجابت دعا، آمرزش گناهان، شادی در هنگام مرگ، دیدار مولا در آستانه مرگ، جواز عبور از پل دوزخ و استوارگامی بر آن، رهایی از آتش دوزخ و بالاخره زندگی شیرین در بهشت جاوید در گرو محبت علی است. (ص ۱۹۶-۲۱۴)

روایات نشان می دهد، دوستی علی، نشانه پاکیزگی مَوْلِد، نشانه ایمان، تقوا، سعادت و شهرت انسانی در آسمان ها است. (ص ۲۱۰-۲۲۲)

نصوص احادیث معتبر فریقین - که در این بخش گزارش شده است - نشانگر آن است که دشمنان علی (ع) از رحمت الهی بدورند (ص ۲۷۳-۲۷۴) و هلاکت آنان قطعی است. مرگ کین و رزان به علی مرگ در جاهلیت است و دشمنی با او نشان نفاق، فسق و شقاوت. (ص ۲۷۵-۲۷۸)

اگر دشمنی با علی (ع) مرگ جاهلی را در پی دارد، یعنی این که چنین انسانی از تظاهر به اسلام سودی نخواهد برد، و در قیامت کور محشور شده، سرنوشتی جز آتش دوزخ نخواهد داشت. این بخش، نصوص روایی و تاریخی بسیاری را در اختیار خواننده می‌نهد و افزون بر این، شماری از سرسخت‌ترین دشمنان مولا و جمعی از منحرفان از آن حضرت و قبایلی را که بدو کین می‌ورزیدند، شناسانده است که «تعرف الاشیاء بأضدادها». (ص ۲۸۹-۳۱۹)

ابن ابی‌الحدید در شرح نهج البلاغه در موردی از کسانی یاد می‌کند که از یاری امام (ع) دریغ ورزیدند و چون گاهی امام (ع) بر حوادثی آنان را گواه گرفت، از این که گواهی دهند یا این که در آن صحنه‌ها حضور رسانند، تن زدند. او در آغاز یادکرد اینان نوشته است: آنان برای رسیدن به کشش‌ها و جذب‌های زودگذر دنیایی و دست یافتن به دنیا چنین کردند. در ادامه آنچه یاد شد، این گزارش ابن ابی‌الحدید آمده است. (ص ۳۲۲-۳۳۲)

قبایلی نیز با امام (ع) سر‌همراهی نداشتند و برخی به آن بزرگوار - چونان بنی‌امیه - کین می‌ورزیدند. نصوص نشانگر این گونه قبایل، بخش بعدی این قسمت است. (ص ۳۴۲-۳۳۳)

در جایی از این کتاب از ادیب بلندآوازه، خلیل بن احمد فراهیدی نقل می‌کند: درباره‌ی علی چه بگویم؟ او که دوستانش از سرترس و دشمنانش از سرکین و حسد، فضایل و مناقبش را پوشاندند؛ آن‌گاه از میان این دو کتمان، فضایل او سربرآورد و خاوران و باختران را آکند (موسوعه، ج ۸، ص ۴۱۹). سخن شگفتی است و به‌راستی این واقع‌صادق، حیرت‌آور است. از آن روز که معاویه با بیانی رسمی و حکومتی نقل فضایل مولا را منع کرد و بدگویی به آن بزرگوار را رواج داد، کین و رزان و فضیلت‌ستیزان و آنان که با هر آنچه ارجمند و زیبایی است سرتیز دارند، بسی در خاموش ساختن این نور پرفروغ کوشیدند، اما اکنون چه چیزی نصیب آن همه تلاش شده است. در فصل هفتم از این بخش این کشش‌ها و کوشش‌ها گزارش شده است که به‌راستی حیرت‌آور و غم‌آلود است و جان هر انسان خردمندی را می‌فسرد. اما چه شد؟ اکنون نام مولا، بلندآوازه‌ترین نام در تاریخ است و آموزه‌هایش چونان مشعلی فروزان بر معبر تاریخ،

و کجا است نام و یاد آنگونه کسان؟ این بخش از جمله تلاش‌های شگفت کسان بسیاری از آتش‌نهادان سیه‌دل که در خاموش کردن این مشعل پرفروغ بسی کوشیده‌اند، آورده شده است، تا دانسته شود آنچه برای خدا است و از آن خدا و در راه اوست زوال‌ناپذیر است و «چراغ ایزدی به خاموشی نمی‌گراید.»

بخش شانزدهم. اصحاب و کارگزاران حکومت علی (ع):

با این بخش کتاب پایان می‌پذیرد. اکنون خواننده پس از مطالعه پانزده بخش از کتاب و دستیابی به آگاهی‌های گسترده‌ای در ابعاد مختلف حیات سرشار از آموزه‌های بیداری‌آفرین و انسان‌ساز و سپیده‌گشا، در پایان بخش با شرح حال و چگونگی شخصیت شماری از اصحاب و کارگزاران مولا (ع) به اجمال آشنا می‌شود. در این بخش خواننده از یک سوی به آگاهی‌های ارجمندی درباره‌ی پرورش یافتگان مکتب دست می‌یابد و از سوی دیگر با واقع حکومت علوی و کمبود نیروهای کارآمد، متعهد، در دانشا و فرمانبردار آشنا می‌شود. بدین سان تا حدودی راز و رمز پاره‌ای از نارسایی‌ها را در حکومت علوی درمی‌یابد، و در تحلیل واقع‌نگرانه حکومت مولا با توجه به داده‌های این بخش خود را موفق‌تر می‌یابد.

روشن است که نه اصحاب مولا یکدست بودند و نه کارگزاران آن بزرگوار یکداستان. ضرورت حکومت‌داری و واقع‌های اجتناب‌ناپذیر اداره‌امور، گاه کسانی نااستوار در باورها و ناهنجار در عمل را بر امام (ع) تحمیل می‌کرد؛ اما امام از یک سوی هرگز از آنان غفلت نمی‌کرد و از سوی دیگر هرگز کج‌روی‌ها و کژاندیشی‌ها و رفتار ناهنجار آنان را با مردم بر نمی‌تابید. او که روزگاری بس دراز «شمشیر در پی حق» زده بود و سالیان «خار در چشم و استخوان بر گلو» برای حق سکوت کرده بود، اکنون برای «اجرای حق» و «تحقق حق» هیچ مجامله، معامله و مداخله را بر نمی‌تابد. این بخش از موسوعه نیز بسی خواندنی است و موضع امام (ع) در برابر اصحاب و کارگزاران خود تأمل‌کردنی و درس‌گرفتنی. کتاب با بخش شانزدهم پایان می‌یابد و بدین سان خواننده با انبوهی از آگاهی‌ها، تحلیل‌ها و گزارش‌ها درباره‌ی مولا آشنا می‌شود.

گونه‌های نگاشته‌ها

آنچه درباره‌ی علی (ع) به قلم آمده است دارای جهت‌گیری مختلف، محتوای گونه‌گون و موضوعات متفاوت است. بر روی هم نگاشته‌های مرتبط با علی (ع) را به گونه‌های ذیل می‌توان تقسیم کرد:

- ا. تاریخ‌زندگانی امام؛
 - ب. خلافت امام؛
 - ج. خصائص و فضایل امام؛
 - د. موضوعات مرتبط با امام و درباره‌ی امام، مانند غدیر، آیه تطهیر، ولایت و ...؛
 - ه. تفسیر آیات نازل شده درباره‌ی امام (ع)؛
 - و. داوری‌های امام؛
 - ز. دعا‌های امام؛
 - ح. احادیث و روایاتی که علی (ع) از پیامبر نقل کرده است؛
 - ط. سخنان امام (ع) که گونه‌های مختلفی دارد: احادیث بلاغی، احادیث براساس موضوع و حروف.
- شرح‌ها: شرح یک خطبه، یک حدیث یک‌نامه و ...؛
- ی. نظم و نثر درباره‌ی ویژگی‌ها، فضایل، مناقب امام، رثاءها و سوگنامه‌ها؛
- ک. کرامت‌ها، معجزه‌ها در روزگار امام و پس از شهادت امام.
- بدین‌سان روشن است که آثار رده‌بندی شده در عناوین یاد شده، از منظرهای گونه‌گون درباره‌ی مولا به قلم آمده‌اند، و در هریک از آثار یاد شده، بُعدی از ابعاد زندگانی مولا رقم خورده است.

اکنون و پس از این نگاه گذرا به گونه‌های مختلف آثار نگاشته‌شده درباره‌ی مولا، به ویژگی‌های «موسوعه» می‌پردازیم.

۱. جامعیت، همراه گزیده‌نگاری

در نگارش و تدوین آیین «موسوعه» ضمن پرهیز از تکرار^۴، و ارجاع به نصوص همگون، تلاش شده است در کتاب در عین جامعیت، گزیده‌نگاری شود و از افزون‌نگاری اجتناب شود. موسوعه، جامع نصوص، متون و احادیث و نقل‌های گزارش شده در منابع و مصادر فریقین است، با نگاهی به آنچه درباره‌ی

۴. نگاه کنید به معجم ما کتب عن الرسول واهل البيت صلوات الله عليهم، ج ۵، ص ۱۳۲ به بعد و تمام ج ۵.

۵. به جز مواردی که نصوص، اختلاف اساسی داشته‌اند و یا نص مکرر حامل پیام و نکته مهمی بوده است.

در آغاز مقاله آوردیم که این نگاه گذرا براساس مقدمه کتاب نگاشته شده است با افزونی‌ها و نیز ارجاع مطالب و آگاهی‌های عرضه شده بر کتاب و تعیین صفحات و با بازنگری و بازنگاری آن چیزی که در مقدمه مجموعه آمده است. آموزه سزایند که افزون بر این گذار گذرا، با نگاهی کلی و ویژگی‌ها و امتیازات را نیز واگوییم. چنان‌که پیش‌تر گفته‌ام این بنده در این بخش نیز افزون بر همراهی اندکی با کتاب، و امدار آن چیزی هستم که در مقدمه کتاب آمده است.

ویژگی‌های «موسوعه‌الام علی بن ابی طالب ...»

آنچه تا بدین جا آمد گزارش کوتاهی بود از محتوای بخش‌های «موسوعه ...». اکنون برآنیم که اندکی از ویژگی‌های آن را برشماریم. به پندار ما برای آشنایی با ویژگی‌های این «موسوعه» و شاید برجستگی‌ها و امتیازاتش، لازم است اندکی در باب آنچه تاکنون درباره‌ی مولا به نگارش درآمده است، سخن بگوییم. تا از سویی لزوم پرداختن به مجموعه‌ای بدین‌گونه روشن شود و از سوی دیگر برجستگی‌ها، امتیازها و نقطه‌های اوج این مجموعه روشن گردد.

گسترده‌گی آثار نگاشته‌شده درباره‌ی علی (ع)

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، شخصیتی است با جاذبه‌های شگفت. نگاه به مولا و سیره ارجمند و زندگانی او، ویژه‌ی کسانی با دیدگاهی ویژه نیست. ارجگذاران و ستاینندگان مولا تمام دیدگاه‌ها، اندیشه‌ها، گرایش‌ها و مسلک‌ها را درنوردیده‌اند. از این روی توان گفت از جمله ویژگی‌های شخصیت آن حضرت، گسترده‌گی آثار مکتوبی است که درباره‌ی زندگی، سیره، امامت و خلافت، گفتار و آموزه‌ها و آثار و مآثر وی به قلم آمده است.^۵ تاریخ اسلام بدون نام او و گزارش نقش‌آفرینی‌های بی‌بدیل او، تاریخی است بی‌روح و تحریف یافته. تمام نقطه‌های اوج تاریخ صدر اسلام آمیخته است با نام و یاد مولا. در شمارش که بی‌گمان جستجویی است نه کامل، نام پنج هزار کتاب درباره‌ی علی (ع) فهرست شده است که برخی از عناوین دارای چند مجلد است.

علی (ع) نوشته شده است؛ بدان سان که پژوهشگر با مراجعه به این مجموعه بداند و مطمئن شود به عصاره آنچه درباره حضرت (ع) قلمی شده است دست یافته، و یا به لحاظ ارجاع‌های بسیاری و اطلاع‌رسانی گسترده‌ای که در منبع یابی و تکثیر مراجع شده است، از این طریق به موضوع و یا موضوع‌های مورد نیاز برای تحقیق رسیده است.

۲. استناد گسترده به منابع فریقین

در این موسوعه برای نخست بار گسترده‌ترین بهره‌برداری از منابع تاریخی و حدیثی فریقین در تبیین شخصیت امام علی (ع) در زمینه‌های مختلف تحقق یافته است. برای سامان دادن به این مجموعه به بیش از چهارصد و پنجاه عنوان کتاب که غالباً چندین مجلد بوده‌اند، مراجعه کردیم: دویست منبع شیعی و دویست و پنجاه منبع از منابع اهل سنت؛ اما برای گسترده‌سازی محدود پژوهش و اطلاع‌رسانی برای محققان و برای گشودن دامنه پژوهش در پانوشت‌ها به حدود سی هزار منبع و مصدر فریقین ارجاع شده است، که به روشنی گستردگی محدوده جستجو را می‌تواند نشان دهد.

۳. اعتبار منابع

در سامان دادن به این موسوعه، کوشیده‌ایم، پس از فیش‌برداری مستقیم از منابع با یاری گرفتن از رایانه در حد توان همهٔ نصوص مرتبط با یک موضوع را گردآوری کنیم، و آن‌گاه استوارترین، جامع‌ترین و کهن‌ترین را برگزینیم. در گزینش همت بر آن بوده است که متون به کار گرفته شده، از کتب حدیثی و تاریخی معتبر گرفته شود؛ اما باید بدین نکته تأکید کنیم که اعتبار نقل‌ها و نصوص در پژوهش تاریخی با نقل‌ها و نصوص فقهی فرق فارق دارند. روشن است که آن سخت‌گیری‌های معمول در سند روایات فقهی در پژوهش‌های تاریخی، معمول نیست. در پژوهش‌های تاریخی بیش‌تر چگونگی و استواری و ناستواری متن باید مورد توجه باشد و برای رسیدن بدان قراین گونه‌گون به کار گرفته شود. به هر حال به دیدهٔ ما نقل و نص معتبر - فقهی و تاریخی آن - آن است که «موثوق به» باشد و اطمینان آور؛ گرچه گاه از سند استوار و صحیحی نیز برخوردار نباشد. (به تأثیر سند صحیح و موثق در ایجاد اطمینان توجه داریم)

باید بیفزاییم که وثوق سندی، در مجموعه‌ای که نقل‌ها و متون آن بر پایه مصادر حدیثی و تاریخی فریقین (شیعه و اهل سنت) رقم خورده است، نمی‌تواند ملاک تام و تمام باشد؛ چرا

که روشن است هر جریانی در تعیین «ثقه» و «غیرثقه» خود، سبک و روش ویژه و مبانی رجالی ویژه‌ای دارند.

سخن آخرین این که ما در جمع‌آوری متون و نقل‌ها و گزینش آنها، افزون بر تلاش برای دستیابی به منابع معتبر و توجه به اسناد، بیش‌ترین ملاک را نقد متن قرار داده و کوشیده‌ایم از راه تأیید مضمون نصوص با قراین نقلی و عقلی، نوعی اطمینان به متن را به دست آورده در استواری آن مطمئن باشیم. از این روی احادیث منکر را نیاورده‌ایم؛ اگرچه سند صحیحی می‌داشته است. اگر در موارد ویژه‌ای، متن غیر معتبری را عرضه کرده‌ایم، چگونگی و چرایی آن را در پانوشت‌ها توضیح داده‌ایم.

۴. تحلیل و جمع‌بندی

پژوهشگران و جستجوگران معارف علوی و طالبان آگاهی از سیرهٔ علوی در این موسوعه با بیش از هفت هزار متن و نص تاریخی - حدیثی دربارهٔ علی (ع) آشنا خواهند شد. در فصل‌ها و بخش‌ها کوشیده شده است به تناسب تحلیل‌ها، نظریه‌ها و با ارزیابی نصوص نکات مهمی در زمینه‌های تاریخ و حدیث عرضه شود. خواننده از این رهگذر با «فقه الحدیث» و نقل‌های بسیاری رویارو خواهد بود که به حتم سودمند است.

۵. توجه به واقع‌زمان و کاربردی بودن محتوی

«موسوعه» صرفاً کتابی تاریخی نیست که متون و اسناد تاریخی مرتبط با زندگی مولا را گزارش کند. نمی‌خواستیم شرح حالی محض به دست دهیم و متنی بر انبوه شرح‌حال‌ها بیفزاییم. در گزینش عناوین و عرضهٔ متون و نصوص در ذیل عناوین به واقع زمان و نیازهای امروز توجه داشته‌ایم و کوشیده‌ایم این موسوعه مجموعه‌ای باشد آموزنده، کارآمد برای جهان اسلام، پژوهشگران، جوانان و همهٔ آنان که می‌خواهند سیره علی (ع) را در واقع زندگی الگو گیرند و از سیرهٔ او در گشودن گره‌ها و زدودن بن‌بست‌های فکر، عقیدتی و سیاسی یاری جویند. کاربردی‌ترین بخش‌های این مجموعه، بخش‌هایی است که سیاست‌های علوی را در زمینه‌های مختلف کشورداری، حکومت، تعامل با مردم تبیین می‌کند. این بخش‌ها مورد نیاز

اسلامی را دیده باشد، می‌داند که در میراث مکتوب آنان -پیشینیان و پسینیان- تا چه حدی دربارهٔ تشیع و قله افراشته آن ستم روا شده است و بالطبع در حق پیشوای مجاهدان و مخلصان نیز چه اندازه کتمان حقایق و وارونه‌سازی تاریخی شده است. این همه را محققان تاریخ اسلام می‌دانند و ما نیز می‌دانستیم و در نگارش این موسوعه با ابعاد حیرت‌آور آن بیش‌تر آشنا شدیم. اما در نگارش این مجموعه، در تحلیل‌ها، اظهارنظرها، تبیین‌ها و مدخل‌ها هرگز قلم را به ناراستی‌ها و درشت‌گویی‌ها و دشنام‌ها نیالودیم؛ نه ابتدائاً و نه به گونهٔ مقابله به مثل. به واقع در نگارش مجموعه، «ادب علوی» را بر سراسر آن حاکم ساختیم، که به حجر بن عدی و عمرو بن حقم، یاران پرشور و پرصلابت و استواراندیش خود ادب مقابله را بیاموخت و بدان‌ها که یکسر شور بودند و غیرت و ناراستی‌های دشمن را بر نمی‌تابیدند و در برابر غوغا سالاری‌های آنان چونان آتشفشان زبانه می‌کشیدند، امام با تأکید بر حق بودن ایشان و باطل روی آنان فرمود:

کرهت لکم آن تکنونوا لعائین، شتامین، تشتمون و تبترون
ولکن لو وصفتم مساوی أعمالهم فقلتم. من سیرتهم کذا و
کذا و من عملهم کذا و کذا کان اصوب فی القول. (وقعة
صفین، ص ۱۰۳)

روشن است که یادکرد کردار کسان و تحلیل آن و روشنگری دربارهٔ رفتارهای ناصواب برخی -چون برای روشن کردن تاریخ و پاسداری از حق است و...- نباید آن را تندلحنی و دشوارگویی تلقی کرد. اگر چنین چیزهایی در این موسوعه باشد، واقع‌گویی است و نه تندلحنی. به هر حال کوشیده‌ایم مسائل را با دیدهٔ روش تحقیق بنگریم و نه چشم تعصب و لجاج و عناد.

بدین سان هرگز به مقدسات هیچ نحله‌آهانتی روا نشده است و از هیچ کس به طعن یاد نشده است. از این روی امیدواریم موسوعه گامی باشد در تقریب مذاهب، و تبلور «ادب علوی» برای بهره‌گیری همگان و وحدت کلمه مؤمنان.



۷. این شیوه در همهٔ نصوص تاریخی و حدیثی اعم از آغاز، وسط و پایان هنگامی که نام اهل‌البیت (ع) یاد می‌شود، اجرامی گردد.

کارگزاران دولت‌های اسلامی است؛ به ویژه خدمتگزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران. این بخش‌ها عینیت زندگانی سیاسی و اجتماعی مولا را رقم زده، و واقع صادق سیاستمداری آن سیاستمدار واقعی را -که در اجرای سیاست جز به حق نظر نداشت- را گزارش کرده است. باید خواند، تأمل کرد، اندیشید، عمل کرد و بهره جست.

۵. ابتکار در نگارش

مطالب و موضوعات به گونه‌ای طراحی شده است که پژوهشگر با نگاهی گذرا در جریان کلی مسائل کتاب قرار گیرد و با تأملی اجمالی، مطلوب خود را در آن دریابد. عناوین به گونه‌ای گزینش شده است که گویای محتوای بخش‌ها و فصل‌ها باشد و تمام نصوص ارائه شده را پوشانند. مهم‌تر آن که کوشیده است، عناوین واقع‌زندگی ساز و سپیده‌گشای سیرهٔ علوی را بدان گونه که الگو باشد ارائه دهد. از این روی عناوین واقعی است، نه انتزاعی محض و ناکارگشا و ناکارآمد.

۶. توضیح‌ها، تفسیرها و... (خدمات جنبی)

برای این که پژوهشگران در مراجعه به این موسوعه و در دستیابی به مقصود برای مسائلی جزئی نیاز به منابع دیگر نداشته باشند و در رسیدن به مطلوب، مسیری سهل را بپیمایند، راجع به اشخاص، مکان‌ها و نکات مبهم متون در پانویست توضیحاتی آمده است. نیز الفاظ دشواریاب متون شرح شده، و مکان‌های تاریخی با نقشه‌هایی گویا به وسیله متخصصان طراحی شده است، به دقت شناسایی شده است.

۷. یادکردها... (تجلیل‌ها، تکریم‌ها و...)

در نقل نصوص تاریخی و حدیثی، اگر متون مورد استناد از رسول‌الله (ص) و اهل‌بیت (ع) نقل شده باشد نام آن بزرگوار یاد می‌شود. در یادکرد رسول‌الله (ص) با جمله «صلی‌الله علیه وآله» و اهل‌بیت (ع) با جمله «علیه‌السلام» از آنها تجلیل شده است. هر چند در مصدر منقول چنین تجلیلی نباشد.^۷ و اگر نصوص از غیر پیامبر و اهل‌بیت (ع) نقل شده باشد، در آغاز و یا فرجام فقط به ارائهٔ مصدر نقل، بسنده می‌شود.

۸. اخلاق نگارش

در نگارش موسوعه، ادب علمی و پژوهشی در نهایت دقت رعیت شده است. کسی که تاریخ اسلام را به ژرفی نگریسته باشد و آثار مکتوب عالمان نحله‌های گوناگون حوزه فرهنگ